

اندیشه های ولایت

بیانات حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید

1395/06/16

بسم الله الرحمن الرحيم

1- مقدمه

بعد از سه ماه و چند روزی که درس تعطیل بود و بحثهای حوزهها تعطیل بود، حالا بحمدالله باز خدمت آقایان رسیدیم و بنای بر مباحثات و بحث فقهی داریم. در این خلال، ماه رمضان بود و این تابستان گرم؛ بعضی به معنای حقیقی کلمه حقیقتاً از ماه رمضان بهره بردند؛ چه به خاطر اعمال ماه رمضان، روزهی روزهای گرم و بلند ماه رمضان، به خاطر دعاهاى ماه رمضان، خشیت و تضرّع و خشوع و مانند اینها و چه به خاطر فعالیتهایی که انجام دادند؛ تبلیغ کردند، احکام دین گفتند، بعضیها مسافرت کردند، بعضی در خود تهران مشغول فعالیت بودند. بعضی از مجموعهی شما و بقیهی برادرانی که در تهران هستند واقعاً بهره بردند؛ بعضیهایمان هم نه، بهرهی زیادی نبردیم که بایستی متأسف باشیم و به فکر جبران باشیم و جبران بکنیم.

2- شناخت شبهات و جلوگیری از گمراهی جوانان، اولین و مهمترین وظیفه جامعه علمی و مذهبی (روحانیت)

آنچه مهم است این است که طلبه‌ی دین، عالم دین و روحانی - به اصطلاح رایج - وظیفه‌ی خودش را در هر برهه‌ای از زمان تشخیص بدهد. اگر وظیفه تشخیص داده نشد، علم و تقوا و مانند اینها به درد نمیخورد؛ یعنی بجا مصرف نمیشود. مثل این است که انسان پول زیادی دارد اما خبر از بیماری فرزندش ندارد. خب، اگر میدانست که این بچه بیمار است و احتیاج به معالجه دارد و مثلاً احتیاج به عمل جراحی دارد، پول هم که در جیبش بود، میرفت معالجه میکرد. وقتی نمیداند این بیماری را، مطلع نیست، این بچه را از دست میدهد یا بیماری او تشدید میشود؛ درحالی که امکانش را هم داشت، پولش را هم داشت. [اگر] علم داشته باشیم، تقوا هم داشته باشیم، حتی شجاعت هم داشته باشیم اما ندانیم وظیفه چیست، ندانیم موقعیت کدام است، ندانیم امروز مطالبه‌ی خدای متعال و مطالبه‌ی دین از ما در عرصه‌ی اجتماع چیست، آن علم و تقوا و شجاعت و بقیه‌ی خصوصیات مثبت اثر خودش را نمیبخشد؛ و کارکرد لازم را نخواهد داشت. این کلمه‌ی «بصیرت» که ما دائم تکرار میکنیم، بعضیها هم بشدت اوقاتشان

تلخ میشود که چرا فلانی مکرر میگوید بصیرت بصیرت؛ معنایش این است. یکی از مصادیق مهم بصیرت همین است که انسان بداند امروز چه نیازی در جامعه وجود دارد. ما میلیون‌ها جوان داریم؛ جوان در معرض فراگیری است تا چه به او داده بشود. گفت: «من که لوح ساده‌ام هر نقش را آماده‌ام» (1) همه‌ی نقشها را میشود بر روی این لوح ساده کشید؛ چه کسی مبادرت کند، چه کسی دست پیش را بگیرد، چه کسی جلوتر حرکت بکند، یا چه کسی متوجه بشود که بر این لوح ساده، نقش نامیمون و غلطی کشیده شده است؛ [تا] برود آن را تصحیح کند؛ همه‌ی اینها بصیرت لازم دارد. [باید] بدانیم امروز نیازهای جامعه را. امروز دشمنان ما پولهای گزافی را خرج میکنند. این چیزی که عرض میکنیم، تحلیل نیست اطلاع است؛ انسان به بسیاری از این حرفها علم دارد. پول خرج میکنند برای اینکه بتوانند ذهن جوانِ مسلمانِ مؤمنِ ایرانی را، منصرف کنند، منحرف کنند. از چه؟ از اصل دین؛ نه فقط از نظام جمهوری اسلامی، یا از ولایت فقیه یا امثال اینها؛ [بلکه] از اصل دین، از تعبد به دین، از مسئله‌ی تشیع تا برسد به نظام جمهوری اسلامی و برسد به بقیه‌ی چیزهایی که وجود دارد؛ دائم دارند شبهه خلق میکنند. کسانی هستند در داخل که ابزار آنها میشوند اما خیلی از آنها خودشان هم در داخل کشور نیستند؛ در بیرونند، خط میدهند، عنوان و سوژه معین میکنند و پخش میکنند و میگویند اینها را بگویید، اینها را ترویج کنید. امروز هم فضای مجازی یک صحرای بی‌پایانی است که از همه طرفش میشود حرکت کرد؛ دیگر مثل سابق نیست که شما بخواهید یک مطلبی را بیان کنید، ناچار باشید روی کاغذ بنویسید، آن را پلی‌کپی کنید یا فتوکپی کنید ده نسخه، صد نسخه، دویست نسخه؛ این جور نیست. **هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است.** می‌نشینند پخش میکنند شبهات را، حرفها را، جوانهای مؤمن را، جوانهای سالم را گمراه میکنند. اینها را باید شناخت. چه کسی بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟ چه کسی باید مانع بشود از اقدام دشمن برای انحراف ذهن جوانان؟ به عهده‌ی چه کسی است این کار؟ جامعه‌ی علمی و مذهبی، یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش این است؛ مهم‌ترین وظیفه‌اش این است.

3- لزوم فراهم نمودن قابلیت‌های نرم افزاری و سخت افزاری در حوزه‌های علمیّه برای مقابله با شبهات

حوزه‌های علمیّه باید این قابلیت‌ها را در خودشان فراهم بکنند؛ قابلیت سینه به سینه شدن، مواجه شدن با این لشکر بی‌تعداد عظیم دشمنی و دشمن که به سمت ایمان مردم، به سمت اعتقادات مردم، به سمت سلامت نفس مردم، به سمت عقّت جوانان سرازیر میشود. پایگاه‌های اینترنتی فراوانی وجود دارد که هدفشان این است که عقّت جوان را، حیای جوان مسلمان را -چه پسر، چه دختر- از بین ببرند؛ پرده‌ی حیای او را بپدرند؛ اصلاً هم‌تشان این است و برای این برنامه‌ریزی میکنند. خب بعضی از عناوین، عناوین مجرمانه است؛ دستگاه‌های گوناگون دولتی وظیفه دارند برخورد کنند و میکنند، لکن آن چیزی که مربوط به ذهن است، به مغز است، به دل است، با تحرک و اقدام عنصر امنیتی و عنصر اطلاعاتی و عنصر نظامی حل نمیشود؛ این ابزاری مناسب با همان بلایی که در آن هست لازم دارد؛ داروی آن بیماری همان چیزی است که در اختیار روحانیون است، در اختیار اهل دین است، در اختیار دانایان مذهب است. ما باید خودمان را مجهز کنیم؛ خیلی از ماها مجهز

نیستیم، خیلی از ماها نمیدانیم، نه از جنبه‌های نرم‌افزاری، نه از جنبه‌های سخت‌افزاری. بعضی‌ها با این روشهای جدید اصلاً آشنایی ندارند، با رایانه و مانند آن اصلاً آشنا نیستند، معنایش را نمیدانند، اهمّیت این کار را درک نمیکنند. می‌بینیم ما؛ در بین مسئولین هم هستند کسانی که اهمّیت این کار بزرگ را بدرستی و آنچنان که باید و شاید درک نمیکنند لذا اقدام لازم را انجام نمیدهند. ما شورای عالی فضای مجازی درست کردیم برای همین قضیه؛ (2) برای اینکه مسئولان بیایند دُور هم بنشینند، فکر کنند، متمرکز کنند اراده‌ها و تصمیم‌ها و اقدامهای خودشان را برای مواجهه‌ی با این حادثه‌ی بزرگ. این یک عرصه‌ای است که دارای منافع بی‌شمار و دارای مضرات بی‌شمار است؛ عرصه‌ی فضای مجازی این‌جوری است؛ میتوان از آن حداکثر منافع را [کسب کرد]؛ همان کاری که آن دشمن میکند، شما [هم] میتوانید بکنید در جهت عکس؛ [یعنی] مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی را پخش کنید بدون هیچ مانع و رادعی؛ (3) که بعضی‌ها از این مردمان مؤمن، جوانهای مؤمن از معتم و غیر معتم، روحانی و غیر روحانی - بعضی غیر روحانیون در این زمینه فعال‌تر هم هستند - کارهای بسیار خوبی را انجام میدهند؛ ناگهان در سطح دنیا یک مطلبی را، یک مفهومی را، یک فکر درستی را منتشر میکنند، طرف مقابل میماند. [پس] بعضی از این جهت نقص دارند که با این کار، با این فن آشنا نیستند؛ بعضی هم مشکلات نرم‌افزاری دارند، جواب شبهات را نمیدانند، اصلاً خود شبهه را متوجه نیستند - اینکه امروز چه شبهه‌ای وجود دارد - یک شبهه‌ای صد سال پیش بود، پانصد سال پیش بود، ممکن است آن شبهه اصلاً الان مطرح نباشد؛ ما برویم در کتاب بگردیم، آن شبهه را پیدا کنیم، جواب آن را پیدا کنیم یا [اینکه] نه، ببینیم امروز شبهه‌ای که وجود دارد چیست. البته بعضی از شبهات امروز، همان شبهات قدیمی است که لباس نو به آن میپوشانند، این [نوع شبهات] هست اما بعضی اوقات هم شبهات جدیدی است؛ اینها را باید بشناسیم، اینها را باید بدانیم؛ اینها کارهای حوزه‌های علمیّه است و حوزه‌های علمیّه به این کارها باید وارد بشوند. معنای این، آن نیست که ما فقهت را کنار بگذاریم؛ نه، این عین فقه است. فقه فقط احکام عملی نیست؛ «فقه الله الاکبر» معارف اسلامی است؛ معارف اسلامی شبهه دارد. شما ببینید، مثلاً در باب صلات مسافر؛ فرض کنید در یکی از مسائل صلات مسافر ده‌ها فرع مطرح میشود. دقت نظر فقهای ما این‌جوری است؛ ده‌ها فرع را مطرح میکنند برای فرض کنید یک مسئله‌ی "اشترط اباحه و حلیت سفر برای صلات قصر". (4) خب، این یک مسئله است اما فروع این مسئله الی ماشاءالله؛ مثلاً سید در عروه ده فرع، دوازده فرع یا بیشتر مطرح میکند؛ دیگران در جاهای دیگر گاهی بیشتر هم مطرح کرده‌اند. خب، در مسائل اعتقادی هم همین‌جور است؛ در مسائل اعتقادی هم همین تفرق و تفرع شبهات فراوان وجود دارد. آن طرف مقابل، یک نقطه‌ی کوچک را میگیرد، روی آن تکیه میکند و ذهنهایی را منصرف میکند. بنابراین این یکی از وظایف عمده‌ی ما است؛ حوزه‌های علمیّه بایستی به این توجه کنند. خوشبختانه حوزه‌ی علمیّه‌ی تهران هم این روزها یک سر و صورتی، سر و سامانی پیدا کرده و کارهایی شده؛ شنیدم امروز هم افتتاح حوزه‌ی علمیّه‌ی تهران است. میتوان کارهای بزرگی را در این زمینه انجام داد که امیدواریم ان‌شاءالله خداوند همه‌ی شماها را موفق کند.

بیانات حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

1395/06/03

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

1-مقدمه

1-1- تبریک هفته دولت

تبریک عرض میکنم هفته‌ی دولت را به اعضای محترم هیئت دولت، به رئیس‌جمهور محترم، معاونینشان، وزرای محترم، و به همه‌ی آحاد قوه‌ی مجریه در سطح کشور. واقعاً همین‌جور است که آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند، هفته‌ی دولت در سرتاسر کشور، متعلق به همه‌ی قوه‌ی مجریه است. ان‌شاءالله که خداوند زحمات همه‌ی شماها را مشکور بدارد و آثار برکت و خیر را بر این اقدامات ان‌شاءالله مترتب کند.

1-2- تجلیل و تکریم یاد شهیدان عزیزمان، رجایی و باهنر

تجلیل و تکریم میکنم یاد شهیدان عزیزمان رجائی و باهنر را که همان‌طور که ایشان اشاره کردند، این دو نفر واقعاً الگو بودند؛ از جهات مختلف، از جهت اخلاص، از جهت پُرکاری. البته فرصتی نشد برایشان که چند سالی ادامه بدهند، لکن سالی که نکوست از بهارش پیدا است، نوع کاری که اینها میکردند -مخصوصاً مرحوم رجائی که خب مدت بیشتری هم بودند- نشان میداد که [کار] همین‌جور پیش خواهد رفت؛ اخلاص و علاقه و مردمی‌بودن و تلاش فراوان و [مانند اینها]. لعنت خدا بر دستهای منافق و جنایتکاری که این دو عزیز را به خاک و خون کشید؛ متأسفانه امروز برخی از سیاستهای غربی، سعی میکنند این روسیاه‌ها را تطهیر کنند، منافقین را به یک شکلی در موضع مظلومیت نشان بدهند و برایشان فضای مظلومیت ایجاد کنند؛ و [البته] نخواهند توانست؛ کسانی که هزاران نفر را در داخل کشور از بین بردند، از امام جماعت و امام جمعه تا کاسبِ بازاری تا جوان دانشجو تا پاسدار کمیته تا خانواده‌ای که سر افطار نشسته بودند - و دیگران و دیگران و دیگران، هزاران نفر، حالا من رقم دقیق را نمیدانم - تا رؤسای کشور [مثل] شهید بهشتی و آن شخصیت‌های برجسته‌ی آن روز که به شهادت رسیدند و تا این دو بزرگوار؛ آن وقت

حالا دستهای سیاسی خبیث و مغرض -چه در خارج کشور، چه دنباله‌هایشان یا دلبستگی‌شان در داخل کشور- میخواهند اینها را تطهیر کنند و چهره‌ی اینها را موجّه نشان بدهند و اینها را مظلوم نشان بدهند و در مقابل، خدشه به چهره‌ی مبارک و نورانی امام وارد کنند. چهره‌ی امام خدشه‌بردار نیست و البته مطمئناً ناکام بوده‌اند و خواهند بود.

1-3- اعتماد و امید مردم، کمک کار همه دولتها

بنده باید به این مناسبت واقعاً تشکر کنم از تلاشهای دولت. حالا امروز که گزارشهای آقایان خیلی گزارشهای خوبی بود، هم گزارش آقای رئیس جمهور، گزارش معاون اول محترم، گزارش وزرا و معاونین رئیس جمهور؛ خیلی نقاط مثبت و خوبی در این گزارشها واقعاً وجود داشت که خوب است به معنای کامل کلمه اینها منعکس بشود و به گوش مردم برسد. همان‌طور که اشاره کردند، **مایه و سرمایه‌ی اصلی ما مردمند؛ اعتماد مردم و امید مردم، کمک کار همه‌ی دولتها است؛** ما به این احتیاج داریم و ان‌شاءالله باید این کار [انعکاس گزارشها] در رسانه‌ی ملی انجام بگیرد و دیگران هم بگویند تا مردم بشنوند. بنده قدردانی میکنم از زحمات آقایان.

اداره‌ی کشور کار سختی است، اینکه کارهای مثبتی وجود دارد، معنایش این نیست که کمبود نیست، مشکلات نیست، ضعف کاری در بخشهای مختلف نیست؛ چرا هست لکن اداره‌ی کشور کار آسانی نیست. بنده یادم هست که گاهی بعضی‌ها می‌آمدند خدمت امام و شکایت میکردند از بخشهای مختلف و مانند اینها؛ امام یک جمله میگفتند آقا اداره‌ی کشور کار سختی است؛ به [گفتن] همین یک جمله ایشان اکتفا میکردند؛ واقعاً هم همین‌جور است. بنده خب رئیس جمهور بودم، میدانم، حالا هم در دوره‌ی دولتهای مختلف در جریان کارها هستم، واقعاً سخت است. این تنوع، این گسترش، این انتظارات به‌جا و گاهی هم -بعضاً ممکن است- نابه‌جا در سرتاسر کشور، خرابی‌ها و چیزهایی که از زمان طاغوت و در طول زمان در کشور متراکم شده، اینها طبعاً مشکل میکنند کار را؛ ضعفهایی هست -حالا من به آنچه به نظرم میرسد که باید اقدام بشود اشاره خواهم کرد، نکاتی را عرض خواهم کرد در چند سرفصل - لکن کارهایی که دارد انجام میگیرد کارهای مغتنمی است.

1-4- لزوم استفاده دولت از فرصتها تا آخرین لحظه

خب، ایام هم بسرعت میگذرد؛ [دیدار] امسال، ظاهراً دیدار چهارم ما است با شما. دیدار اول، مثل همین دیروز بود؛ گذر ایام این‌جوری است، گذر عمر این‌جوری است، با شتاب میگذرد؛ از این ساعتها و از این روزها، حداکثر استفاده را باید کرد. بنده در سال اول همه‌ی دولتها -از جمله دولت جناب آقای روحانی- همین نکته را گفته‌ام که تا چشم به هم بزیند، این مدت تمام میشود؛ اما درعین‌حال، چهار سال زمان کوتاهی نیست. خب، مثلاً فرض کنید ما در تاریخ یک امیرکبیری داریم با آن چهره‌ی درخشان که قریب سه سال ایشان سر

کار بوده. بنابراین سه سال و مانند اینها هم خودش یک زمانی است؛ چهار سال زمان کمی نیست. این یک سالی هم که باقی مانده همین جور است؛ این یک سالی که از عمر این دولت باقی مانده، این یک سال هم یک سال است و برای هر روزش واقعاً میشود کار کرد و فکر کرد. **من خواهشم این است که از این فرصتها استفاده بشود و تا آخرین روز دولت، آقایان کار کنند؛ یعنی این جوری فکر نکنید که حالا مثلاً فرض کنید این دولت تمام میشود، آیا فردا من مسئول این کار هستم یا نیستم، اصلاً این فکرها نباید باشد، باید تا آن لحظه‌ی آخر، بایستی تا آن ساعت آخر و روز آخر تلاش کرد و کار کرد.**

1-5-عمل دولت، بهترین تبلیغ

درگیر حواشی هم نشوید؛ چون این ماههایی که در پیش داریم، ماههایی است که بتدریج با چالشهای انتخاباتی همراه میشود؛ یعنی همین طور تبلیغات انتخاباتی، حرفهای انتخاباتی، مسائل سیاسی [پیش می‌آید]؛ مخالفین یک چیز میگویند، موافقین یک چیز میگویند؛ اینها نباید شما را مشغول کند، یعنی اصلاً توجه به این مسائل نکنید، کار خودتان را بکنید. **بهترین تبلیغ برای دولتی که در رأس کار است، عمل او است.** یعنی شما اگر چنانچه هزاران کلمه در تبلیغ حرف بزنید، اما یک کار خوب [هم] ارائه بدهید، این یک کار خوب بیش از آن هزاران کلمه حرف تأثیر میگذارد در مردم. یعنی [اگر] مردم ببینند، حس کنند، لمس کنند کار را، این بهترین تبلیغ برای دولت است؛ به فکر این نباشید که در مسائل [درگیر حواشی شوید].

1-6-هفته دولت، فرصتی مغتنم برای نخبگان، جهت ارزیابی دولت

خب، خود این هفته‌ی دولت، فرصت مغتنمی است؛ هم برای نخبگانی که بیرون از دولتند، هم برای اشخاصی که داخل دولتند؛ برای اینکه ارزیابی کنند، یعنی خودآزمایی کردن و ارزیابی کردن کار خود؛ **«بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»** [2] همه‌ی رؤسای دستگاهها، خودشان بهتر از دیگران میتوانند کار خودشان را ارزیابی کنند. ما گاهی ممکن است در مورد آنچه انجام داده‌ایم، در مقام بیان -خب بیان است دیگر- یک چیزی را ادعا کنیم، [اما] مراجعه که میکنیم، می‌بینیم خودمان خیلی به آن قانع نیستیم؛ یعنی این ارزیابی به نظر من خیلی مهم است. نخبگان بیرون هم همین جور؛ نخبگان بیرون هم نگاه میکنند به کارهای دولت؛ انتقاد کردن ضروری ندارد، ایرادی ندارد، منتها انتقاد منصفانه باید باشد. انتقاد، به معنای ارائه‌ی نقاط مشکل و راه حل آن نقاط و گشودن آن گرهها [است]، انتقاد درست این است که به نظر من [اگر] باشد، خیلی خوب است.

1-7-تأکید بر بیان بدون اغراق و مبالغه اقدامات دولت برای مردم و نخبگان

من تأکید میکنم و تجدید میکنم این حرف را که برای مردم و نخبگان توضیح بدهید کارهایی را که انجام گرفته؛ بدون اغراق و مبالغه؛ یعنی همان چیزی را که واقعاً خودتان مقتنع [3] هستید به آن، این را برای مردم بیان کنید؛ این لحن صادقانه و لحن حاکی از واقع‌نگری و واقع‌گرایی، مردم را تحت تأثیر قرار میدهد؛ بلاشک این‌جوری است.

2- سر فصل رهنمودهای حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) برای دولت

چند سرفصل را من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم که البته در خلال فرمایشات آقایان مطالبی هم راجع به اینها بود.

2-1- سرفصل اول: تأکید بر حل مسائل و مشکلات اقتصادی کشور

سرفصل اول مربوط به مسائل اقتصاد است؛ همچنان‌که اشاره کردند. به نظر ما، امروز مسئله‌ی اول کشور، مسئله‌ی اقتصاد و مسائل اقتصادی و مشکلات و گره‌های اقتصادی است که اینها بایستی حل بشود. یک گزارش خوبی را آقای دکتر جهانگیری دادند از ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی؛ خوب حالا اینکه ایشان می‌گویند «من اختیاراتم افزایش پیدا نکرده»، این واقعاً خبر خوبی برای من نیست، ما توقعمان این است که ایشان به معنای واقعی کلمه فرماندهی کنند؛ خوب، آقای رئیس‌جمهور هم به ایشان حقیقتاً اعتماد دارند، ما هم که ایشان را قبول داریم و بنابراین خوب است که همین‌طور بتوانند واقعاً به معنای واقعی کلمه فرماندهی کنند؛ چون در زمینه‌ی همین کارهایی که انجام گرفته نکاتی هست که عرض خواهم کرد. این گزارش را من نگاه کردم؛ گزارش، گزارش خوبی است؛ حدود دویست پروژه و بسته‌ها و برنامه‌های حمایت از تولید، واگذاری 2500 طرح نیمه‌تمام به بخش خصوصی، اینها چیزهایی است که در این گزارش آمده و مهم است؛ اینها کارهایی است که کار عرضه‌کردنی است؛ لکن چند نکته وجود دارد:

2-1-1- پیگیری برای تحقق قطعی طرحها

اولاً پیگیری برای تحقق قطعی طرحها؛ ببینید، ما یک تصمیمی می‌گیریم، ابلاغ هم میکنیم، اصرار هم میکنیم، اما اگر تا آخر خط نرویم و این آبی را که از چشمه جاری شده به مزرعه نرسانیم، کار تمام نیست؛ کار تمام آن وقتی است که همه‌ی این کارهایی را که ایشان و مجموعه‌ی همکار ایشان در دولت در مورد این کارهای ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی انجام داده‌اند، یک‌یک این طرحها به نتیجه برسد؛ یعنی تعقیب کنند و قدم‌به‌قدم دنبال کنند این کارها را؛ این مسئله‌ی اول است که به نظر بنده خیلی مهم است و باید ان‌شاءالله انجام بگیرد.

2-1-2- تأکید بر همسو نمودن فعالیتهای اقتصادی با سیاست های اقتصاد مقاومتی

دوم اینکه فعالیتهای پُرحجمی در عرصه‌ی اقتصاد، در کشور وجود دارد، چه بخش خصوصی، چه دولتی؛ کشور فعالیتهای عظیمی دارد و سرشار و مملوّ از فعالیتهای اقتصادی است. [مسئولین] تمام تلاش خودشان را بگذارند که این فعالیتهای را همسو کنند با همین سیاست‌ها و اگر یک فعالیتی وجود دارد که با این سیاست‌ها همسو نیست، جلوی آن را بگیرند؛ یعنی واقعاً این، یکی از کارهای اساسی است. در عرصه‌ی واقعی اقتصاد -آن اقتصاد واقعی- خیلی کار دارد انجام میگیرد، خوب، بعضی از آنها منطبق با این سیاست‌ها است، بعضی از آنها نیست؛ آنهایی که هست ترویج بشود، آنهایی که نیست جلوگیری بشود یا لاقلاً کمک نشود؛ لاقلاً این است که کمک نشود. من در یکی دو مورد از این چیزهایی که مطرح بود، پیغام دادم به‌وسیله‌ی جناب آقای حجازی که سؤال بشود که این مورد و این کار بخصوص، جایگاهش در مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چیست؟ این باید قابل توضیح باشد؛ یعنی هرکدام از این کارهایی که انجام میگیرد، در مجموعه‌ی سیاست‌هایی که ایشان و مجموعه‌ی دولت تنظیم کرده‌اند بایست جا داشته باشد.

2-1-3- تأکید بر پای کار آوردن همه ظرفیتهای کشور

نکته‌ی سوم؛ همه‌ی ظرفیتهای کشور پای کار آورده بشود. البته خوشبختانه اشاره کردند؛ اخیراً با آقای حجّتی [4] هم دیدار داشتیم، آقای نعمت‌زاده [5] هم که خوب بیاناتشان در مطبوعات و مانند آن پخش میشود و آدم می‌شنود -خب امروز از اینها استفاده نکردیم که مطلبی بگویند- بخصوص در خصوص صنعت و کشاورزی، واقعاً کارهای زیادی وجود دارد که اینها بایستی باید پای کار، یعنی ظرفیتهای فوق‌العاده است. حالا من در مورد کشاورزی و در زمینه‌ی جنگل، یک حرفی هست که بعداً به خود آقای حجّتی عرض خواهم کرد؛ ان‌شاءالله خصوصی به ایشان خواهم گفت.

2-1-4- تأکید بر گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی

نکته‌ی چهارم، گفتمان‌سازی است؛ ببینید در صحبت‌های آقای دکتر ستّاری، بر مسئله‌ی علم و اقتصاد دانش‌بنیان و شرکتهای دانش‌بنیان و مانند اینها تکیه شد و تأکید شد -بعضی دوستان دیگر هم اشاره کردند- این ناشی از یک گفتمان ده دوازده ساله است. یعنی وقتی که بحث شکستن خطوط مقدّم علمی و نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مطرح میشود، دنبال میشود، گفته میشود در دانشگاه‌ها و تبدیل به گفتمان میشود، نتیجه این میشود که بنده گاهی اوقات که اینجا می‌نشینم و مثلاً مجموعه‌ی دانشگاهی -چه دانشجو، چه استاد- می‌آیند، می‌بینم همان حرفهایی را که ما مثلاً گفتیم، اینها دارند همان حرفها را به عنوان مطالبه بیان میکنند؛

این می‌شود گفتمان، این گفتمان است، این خوب است؛ وقتی این جور شد، آن وقت این پیشرفتهای علمی پیش می‌آید. ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته‌ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفتهای زیادی داریم، پیشرفتهای مهمی داریم؛ این پیشرفتها ناشی از همین گفتمان‌سازی است. وقتی گفتمان‌سازی شد، آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کأنه یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگراهی به وجود می‌آید که همه میل میکنند از این بزرگراه حرکت کنند؛ بنابراین گفتمان‌سازی خیلی مهم است. **البته با تکرار کلمه‌ی «اقتصاد مقاومتی» گفتمان‌سازی نمیشود، نباید کاری کرد که این کلمه حرف را همین‌طور این قدر تکرار کنیم که از ذهن بیفتد؛ نه، بلکه با تبیین و با توضیح و مانند اینها بیان بشود.**

2-1-5- لزوم اقدام جهشی و فوق‌العاده در اقتصاد مقاومتی

و نکته‌ی بعدی - این را من به آقای جهانگیری عرض میکنم - این است که در اقتصاد مقاومتی آن چیزی که مورد انتظار است، یک کار جهشی است. ببینید، دستگاه و دولت، خب یک کارهای متعارفی دارد، کارهای معمولی‌ای دارد در زمینه‌های اقتصاد - در همه‌ی بخشهای مختلف این وزارتخانه‌های چندین‌گانه‌ی اقتصادی - که دارد انجام میگیرد؛ این کارها که خب باید انجام بگیرد؛ [اما] از جمله‌ی چیزهایی که در اقتصاد مقاومتی مورد نظر است، یک کار فوق‌العاده است، یک کار جهشی است. مثلاً فرض بفرمایید - من اینجا یادداشت کرده‌ام - اینکه آقای رئیس‌جمهور گفتند «راه‌اندازی هفت هزار واحد صنعتی»، این کار، خوب [است]؛ این از آن قبیل است، این کار را دنبال کنید؛ ایشان گفتند هفت هزار واحد صنعتی را ما راه می‌اندازیم، خیلی خب، این خوب است، یعنی این فراتر از کار معمولی و متعارف دستگاه‌های ما است. این جور چیزهایی را که جنبه‌های جهشی دارد، پیشرفتهای فراتر از عادی دارد، اینها را دنبال بکنید، اینها خیلی خوب است؛ این هم نکته‌ی بعدی، [یعنی] به کارهای روزمره‌ی معمولی دستگاه‌های اقتصادی قانع نشوید که این [کارها] را از اینها بخواهید.

2-1-6- حل مسائل ریشه‌ای اقتصاد کشور

یک نکته‌ی دیگر هم در این زمینه‌ی مسائل اقتصادی، کارهایی است که ریشه‌ای است ولی ممکن است، یعنی کارهای مشکلی نیست: مثلاً «توزیع تصمیم‌گیری در استانها» - که حالا اشاره کردند و خوشبختانه به این فکر هستند - خوب است این کار، یعنی بروید تصمیم‌گیری‌ها را از حالت تمرکز خارج کنید و در سطح استانها توزیع کنید. یا «هدایت تسهیلات بانکی به سوی تولید»؛ من آن روز به آقای وزیر محترم اقتصاد [6] و آقای سیف [7] گفتم شما هر چه علم دارید و هر چه درس خوانده‌اید، امروز آن را به کار بیندازید برای اینکه این نقدینگی عظیم سنگین را هدایت کنید به سمت تولید، یعنی همه‌ی هنرتان این باشد؛ این کار اگر انجام بگیرد - که به نظر من کاری است ممکن؛ یعنی برای آقایانی که در رأس کار هستند، کاری است

ممکن - مهم است. «مشوقهای صادراتی» گاهی اوقات مشوق داریم، [اما] ثبات در این مشوقها نیست؛ کم و زیاد میشود، تغییر پیدا میکند، آن کسی که اهل صادرات است امیدوار نیست، یعنی دلش میلرزد؛ چون مسئله‌ی صادرات خیلی جدی و خیلی مهم است، بایستی مشوق‌هایش [هم مهم باشد]. یکی هم مسئله‌ی «پرداخت بهای محصولات کشاورزی» است که این هم مسئله‌ی مهمی است.

2-1-7- مبارزه‌ی جدی با قاچاق

مبارزه‌ی جدی با قاچاق -همین مسئله‌ی انهدام [کالای قاچاق]- بسیار مهم است؛ البته بعضی از مرتب‌ترین با این مسائل، به ما گفتند که بعضی از این اقلام را میشود باز صادر کرد، [یعنی] برگرداند و صادر کرد؛ خیلی خوب، این را حرفی ندارم، یعنی من این را الان اعلام میکنم. اینکه ما گفتیم حتماً منهدم کنند جنس را، جنس قاچاق را، این شامل آن قاچاق‌های جزئی و شامل این کوله‌برها و مانند اینها نیست؛ ما باندهای قاچاق و کارهای بزرگ [را میگوییم]، اینهایی که بازار کشور را تحت تأثیر قرار میدهد.

2-1-8- پرهیز از تشدید دیوان سالاری

مسئله‌ی دیوان سالاری هم که بحث قدیمی‌ای است که دیگر حالا نمیخواهم تکرار بکنم. بعضی اوقات دیوان سالاری آن قدر شدید میشود که کارآفرین و سرمایه‌گذار را بی حوصله میکند که اصلاً دیگر حوصله‌اش سر می‌رود و آماده نیست کاری بکند.

2-1-9- حمایت جدی از اقتصاد دانش بنیان

یکی هم مسئله‌ی حمایت جدی از اقتصاد دانش بنیان؛ خوب حالا الحمدلله آقای ستاری اینجا بیان کردند و اعتراف کردند در واقع -به یک معنا اعتراف بود- که همه به ایشان دارند کمک میکنند؛ واقعاً احتیاج به کمک است؛ بایستی همه به معاونت علمی کمک بکنند، همه‌ی دستگاه‌ها بایستی کمک بکنند. اگر واقعاً این جور شده حالا که همه به شما کمک میکنند، خوب الحمدلله. ما باید مسئله‌ی اقتصاد دانش بنیان را جدی بگیریم، این شرکت‌های دانش بنیان را واقعاً جدی بگیریم. شاید بتوان گفت میلیون‌ها جوان الان در کشور هستند که اینها آماده‌ی کارند که اگر یک کمکی به اینها بشود، میتوانند واقعاً در این قسمت‌ها پیش بروند و بخشهای مختلف را [فعال] کنند.

من شنیدم حتی در برخی از موارد و برخی از بخشهای دولتی -که حالا این را جناب آقای رئیس جمهور اگر ان شاء الله دنبال بکنند خوب است- که برخی از این به قول آقایان پروژه‌ها را از خارجی‌ها

قبول میکنند و امکانات هم به آنها میدهند، [اما] به این شرکت دانش‌بنیان داخلی که میتواند این کار را انجام بدهد، نمیدهند! یعنی این گزارشهایی است که به ما رسیده که ان‌شاءالله خلاف واقع باشد، اما گزارشهایی است که هست؛ اینها را باید به نظر من تعقیب کرد و دنبال کرد و مهم است. این هم در مورد اقتصاد دانش‌بنیان، و مسئله‌ی روستاها، حالا خیلی حرف در این زمینه‌ها هست که حالا وقت هم میگذرد.

2-2-2- سر فصل دوم: سیاست خارجی

سرفصل دیگری که من میخواهم عرض بکنم، بحث سیاست خارجی است که خب این از اول، یکی از اولویتهای دولت جناب آقای دکتر روحانی بوده، هم در تبلیغات، هم در اقدامات دولتی؛ این کار مهمی بوده، خب بنده هم موافقم. من از سابق به فعالیت دیپلماسی و کار دیپلماسی عقیده داشتم و معتقد بودم بایستی در این زمینه تلاش بشود. چند نکته اینجا وجود دارد:

2-2-2-1- توزیع متناسب دیپلماسی در سطح دنیا

یکی اینکه ما توان دیپلماسی خودمان را در سطح دنیا درست توزیع کنیم؛ یعنی سهم آسیا به تناسب وسعت و توانایی آسیا باید به آسیا داده بشود، سهم آفریقا همین‌جور، سهم آمریکای لاتین همین‌جور؛ پس بنابراین [باید] دیپلماسی‌مان را خوب توزیع کنیم، متناسب توزیع کنیم.

2-2-2-2- داشتن دیپلماسی فعال در مسائل منطقه

یک مسئله‌ی دیگر هم این است که ما در همه‌جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان بخصوص در مسائل شبیه مسائل منطقه - که امروز مسائل بسیار پیچیده‌ای است؛ مسائل منطقه‌ی ما، مسائل سوریه و عراق و لبنان و شمال آفریقا، این طرف در طرف شرق، افغانستان و پاکستان و مانند اینها، مسائل فوق‌العاده پیچیده‌ای است؛ سیاستها اینجا خیلی در هم فرورفته و متخاصم و مؤثر بر روی یکدیگرند - خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان بشود که خب در یک جاهایی الحمدلله وارد شده‌ایم، همین‌جور هم بوده.

2-2-2-3- استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای مسائل اقتصاد

نکته‌ی سوم در زمینه‌ی مسائل دیپلماسی، استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای اقتصاد است. دستگاه‌های اقتصادی با وزارت خارجه، در زمینه‌ی مسائل اقتصادی بایستی تعامل دائمی داشته باشند. خب مگر ما نمیگوییم مثلاً فرض کنید که انتقال فلان فناوری پیشرفته از فلان کشور [انجام شود]، یا

صادرات [به فلان کشور] - که روی صادرات تکیه میکنیم - خب، در این زمینه‌ها وزارت خارجه بایستی محور کار باشد. ما شنیده‌ایم و دیده‌ایم مواردی را که یک وزارتخانه‌ای، در یک کشوری دارد مذاکره‌ی اقتصادی میکند، [اما] وزارت خارجه اصلاً خبر ندارد! این ضرر است، این زیان محض است. البته این وظیفه‌ای است دوطرفه، هم وظیفه‌ی دستگاه‌ها است که با وزارت خارجه همکاری و همراهی داشته باشند در این زمینه، هم وظیفه‌ی وزارت خارجه است که برای این کار بنشینند برنامه‌ریزی کنند؛ یعنی در یک بخش ویژه‌ای - البته در وزارت خارجه یک بخش اقتصادی علی‌الظاهر هست، یعنی از سابق که بوده - باید برنامه‌ریزی کنند، فعال کنند، این هم یک مطلب است. آن چیزی که مورد اعتماد است در دیپلماسی، آن کار ثابت مسلم امضاشده‌ی قابل احتجاج است، این در مسائل ارتباطات ما با خارج از کشور مهم است که خب باید روی این دقت کرد.

2-2-4- ذکر دو نکته در خصوص برجام

البته مسئله‌ی برجام هم یکی از بخشهای سیاست خارجی است، بنده چون درباره‌ی برجام صحبت‌های زیادی کرده‌ام، نمی‌خواهم مجدداً بحث کنم؛ با جناب آقای دکتر روحانی رئیس جمهور محترم هم همین‌طور به‌طور تقریباً مداوم، در همین زمینه‌ها صحبت داشته‌ایم و داریم.

الف- توجه به بدحسابی غربی‌ها و پرهیز از توجیه خیانت طرف مقابل

به‌رحال در مورد برجام، آن نکته‌ای که من می‌خواهم بگویم این است که اولاً بدحسابی‌های طرف غربی را - یعنی بخصوص آمریکا را - به حساب بیاوریم؛ مطلقاً در صدد این نباشیم که بدحسابی طرف مقابل را و بدقلقی طرف مقابل را و خیانت طرف مقابل را یک‌جوری توجیه کنیم؛ این دارد بدحسابی میکند - الان مشخص است، آمریکایی‌ها دارند بدحسابی میکنند - این بدحسابی را به حساب بیاوریم، به این توجه کنیم.

ب- تجربه آموزی از بدعهدی‌های طرف مقابل

و [ثانیاً] تجربه بیاموزیم؛ اینکه حالا ممکن است که فرض کنید این دولت یا یک دولت دیگری در آمریکا یا در فلان کشور یک وعده‌ای به ما بدهد و یک حرفی بزند، به این وعده و مانند اینها هیچ نمیشود اعتماد کرد؛ مطلقاً خبیلی خب، او وعده میدهد، شما هم یک وعده بدهید. شخصی شعر گفته بود، پیغام داد، آمد پیش خلیفه و شعرش را خواند؛ خلیفه هم گفتش که مثلاً فلان قدر طلا - صد هزار دینار مثلاً طلا - به ایشان بدهید؛

[این مطلب را] نوشت روی کاغذ و داد به این شاعر و گفت برو بگیر؛ رفت پیش آن خزانه‌دارش، کاغذ را داد و گفت آقا صد هزار [بدهید]؛ گفت به چه مناسبت؟ گفت یک شعری گفته‌ام؛ گفت خب شعر گفته‌ای؟ تو یک شعر گفتی او خوشش آمد، او هم این را نوشت تو خوشش آمد، این به آن در؛ پاشو برو! [8] یعنی این جور است. او یک حرفی میزند، وعده‌ای میدهد که ما خوشمان بیاید، ما هم یک وعده‌ای بدهیم او خوشش بیاید؛ اما چیز نقدی به او ندهیم که بعد آن وقت در آن بمانیم که حالا او جواب خواهد داد به حساب خودش یا وام خودش را ادا خواهد کرد یا نه؛ نخیر.

به‌هرحال ما از کسانی که در زمینه‌ی برجام، شبانه روز واقعاً زحمت کشیدند و تلاش کردند، از آنها قدردانی میکنیم. بنده به برجام انتقاد دارم، ایراد دارم، این را هم گفته‌ام؛ هم به شماها گفته‌ام، هم در علن گفته‌ام؛ منتها این ایراد به طرف مقابل است، ایراد به خودی نیست، ایراد به عناصر خودمان نیست، عناصر خودمان زحمت خودشان را کشیدند و همان قدر که میتوانستند کار کردند؛ طرف مقابل، طرف خبیثی است، طرف نامردی است.

2-3- سر فصل سوّم: مسئله‌ی علم و فناوری

2-3-1- لزوم شتاب در رشد علمی

سر فصل سوّم، مسئله‌ی علم و فناوری است؛ خب، ما در قضیه‌ی علم و فناوری، برای پیشرفت کشور واقعاً احتیاج داریم به اینکه مسئله‌ی علم و مسئله‌ی فناوری، بشود مسئله‌ی مطرح کشور؛ یعنی یکی از آن سه نقطه‌ی اصلی و سه ستون اصلی‌ای که کشور امروز به آنها متکی است - و شاید عمیق‌ترینش این است - یکی همین مسئله‌ی علم و فناوری است که خب ما الحمدلله پیشرفتهای خوبی داشته‌ایم؛ تلاش شد، کار شد، دنبال‌گیری شد، [اما] رشد پیشرفتهایمان کم شده. آقای دکتر فرهادی [9] یک گزارش برای من فرستادند - چون من در سخنرانی گفته بودم که رشد [کم شده] - که نه، ما رشدمان خوب است. من حرفی ندارم، بنده میدانم، آنچه ایشان فرستادند برای من جدید نبود، آنچه من گفته بودم و به آن توجه نشد، مسئله‌ی شتاب بود؛ شتاب رشد. ببینید ما از طرفهای مقابلمان و از رقبایمان، مبالغ زیادی عقبیم؛ ما اگر بخواهیم به او برسیم، اگر با سرعتی که او پیش میرود پیش برویم، این فاصله همیشه میماند؛ ما باید با یک سرعتی و با یک شتابی پیش برویم که چند برابر سرعت او باشد تا بتوانیم به او برسیم یا احیاناً از او جلو بزنیم، حرف من این است؛ ما این شتاب را چند سال داشتیم. شتاب وقتی زیاد شد، این مطلوب است؛ [اما] شتاب کم شده، حرف من این است؛ اینکه آقای دکتر فرهادی باید به آن توجه کنند [این است]. علی‌ای‌حال، اینکه مورد توجه من است، این است؛ یعنی باید رشد را شتاب بدهید؛ والا من میدانم که رشد هست، خب داریم رشد میکنیم، پیش میرویم، طبیعی است، اما رشد عادی کافی نیست. آن سرعت رشد ما بود که در دنیا آوازه پیدا کرد، منعکس شد، یک عده‌ای حسودی کردند، یک عده‌ای نگران شدند! در دنیا بعضی‌ها از پیشرفت علمی ما نگران شدند؛ خب، این به‌خاطر همین بود که شتاب، شتاب خوبی بود. قضیه‌ی دانش‌بنیان‌ها را هم که عرض کردیم. حالا الحمدلله معاونت علمی راضی

[است]؛ من اینجا نوشته‌ام «از سوی دستگاه‌ها حمایت نمیشوند»، اما حالا ایشان میفرمایند که حمایت میشوند، خیلی خب اگر شما راضی هستید دیگر ما چه بگوییم؟ قضیه‌ی ما قضیه‌ی شما است.

2-3-2- تکیه بر گفتمان پیشرفت علمی و جنبش نرم افزاری

و این گفتمان پیشرفت علمی هم باید ادامه پیدا کند، یعنی این را نباید بگذارید متوقف بشود. شماها همه‌تان -همه‌ی دوستان- دانشگاهی هستید، اولاً من توصیه‌ام این است که دوستان مسئول، با دانشگاه رابطه‌شان را قطع نکنند؛ یعنی رفت‌وآمد با دانشگاه داشته باشند؛ هر جا هستید، هر جور، با هر مجموعه‌ی دانشگاهی که روبه‌رو میشوید، روی مسئله‌ی گفتمان تولید علم و پیشرفت علمی و همین جنبش نرم‌افزاری و شتاب رشد، تکیه کنید؛ جوری بشود که هر استادی، هر دانشجویی، هر پژوهشگری احساس بکند که این وظیفه‌ی او است که این کار را بایستی انجام بدهد. این هم یک نکته در مورد این قضیه.

2-3-3- لزوم افزایش بودجه پژوهشی دانشگاهها

یک نکته هم مسئله‌ی بودجه‌ی پژوهش است. بودجه‌ی پژوهش، اولاً کم است، ثانیاً همانی هم که هست، همه‌اش داده نمیشود. ما البته وعده گرفتیم از یکی از دولت‌ها -نمیدانم حالا کدام یکی از حضرات بودند- که بودجه‌ی پژوهش را برسانند به یک‌ونیم درصد و دودرصد و حداکثر هم به سه درصد اما خب، یک‌ونیم درصد را قول دادند. بعد اینجا دانشگاهی‌ها که آمدند سخنرانی کردند، گفتند این حرف‌ها چیست؟ شش‌دهم درصد و پنج‌دهم درصد و از این حرف‌ها است قضیه، تازه از همان هم همه‌اش را نمیدهند! خب حالا جوری بشود که بودجه‌ی پژوهش داده بشود.

2-3-4- تأکید بر همکاری دانشگاه و صنعت

یکی هم مسئله‌ی همکاری دانشگاه و صنعت است که بنده از سال‌ها پیش روی این تکیه کردم، خیلی هم روی این اصرار کردم. خدا رحمت کند مرحوم پدر ایشان -مرحوم دکتر ابتکار- [10] را، آمد اینجا و به او گفتم که من این را از رئیس جمهور خواسته‌ام. گفت «عجب! این همان نقطه‌ی اصلی گره کار ما اینجا است»؛ ایشان گفت اصل قضیه همین است و خب عمر ایشان کفاف نداد؛ خدا رحمت کند مرحوم ابتکار را. علی‌ای‌حال این مهم است، یعنی برای هر دو طرف باید مشوق گذاشت، هم برای آن صنعتی که برای پژوهش خرج میکند -بالاخره وقتی که صنعت، از پژوهش دانشگاهی می‌خواهد استفاده کند، یک هزینه‌ای میکند؛ این هزینه را به حساب بیاورید؛ یا جزو معافیت‌های مالیاتی، یا از این قبیل چیزها- هم آن قسمت پژوهشگاه و پژوهشکده و دانشگاه پژوهشگر را مورد تشویق قرار بدهید؛ از دو طرف باید تشویق بشوند که به هم نزدیک بشوند.

2-4-2-سرفصل چهارم: مسئله‌ی امنیتی

2-4-2-1-وجود سپر امنیتی محکم در کشور

یک سرفصل دیگری که مطرح می‌خواهم بکنم مسئله‌ی امنیتی است. خب، بحمدالله کشور امروز یک سپر امنیتی محکمی دارد. خب شما نگاه کنید، دُوروبر ما ببینید چه خبر است. شرق ما افغانستان است و آن حوادث و پاکستان و [اینها]، غرب ما این کشورهای همسایه‌ی عربی و عراق و سوریه و یمن و این حوادثی که در این منطقه‌ی غرب آسیا در جریان است و حوادثی که پیرامون ما در لیبی و مثلاً مصر و بقیه‌ی جاها هست، وقتی انسان اینها را نگاه میکند، می‌فهمد که چه قدر نعمت بزرگی است این امنیتی که امروز ما بحمدالله داریم. این سپر امنیتی، خوشبختانه کشور را فراگرفته که از این آسیب‌های امنیتی محفوظ است. **مردم راحت زندگی میکنند از لحاظ امنیتی، به نظر من یکی از چیزهایی که خوب است مسئولین محترم در صحبت‌هایشان با مردم درمیان بگذارند که مردم یادشان بیاید - چون «نعمتان مجهولتان الصّحّه و الامان»، مجهول است - یکی «امان» است. تا امان هست، کسی ملتفت نیست که امنیتی هست. از خانه تا محلّ کسبت میخواهی بروی، ناامن باشد؛ تا مدرسه بروی، ناامن باشد؛ دانشگاه، ناامن باشد؛ از این شهر به آن شهر، ناامن باشد؛ الحمدالله امروز امنیتی در کشور وجود دارد و این به خاطر زحمات نیروهای نظامی ما و نیروهای امنیتی ما است؛ باید واقعاً از اینها تشکر کرد و اینها را تقویت کرد.**

2-4-2-2-سه عنصر مورد نظر در حفظ امنیت کشور

الف - روحیه‌ی انقلابی و دینی مردم

و به نظر من سه بخش هم در اینجا مورد توجه است؛ یکی سدّ دفاعی ملی است که اساس کار این است؛ آن روحیه‌ی انقلابی و دینی مردم، یکی از آن سه عنصر اصلی حفظ امنیتی کشور است؛ یعنی حقیقتاً آن روحیه‌ی انقلابی مردم و دینی مردم است که تشجیع میکند و تحریص میکند نیروهای ما را که بتوانند کارهای خودشان را درست انجام بدهند؛ یکی این است که باید حفظ بشود.

ب-حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیتی

یکی آن بخش تشکیلاتی ما است که همین تشکیلات نظامی ما و تشکیلات امنیتی ما است؛ اینها باید تشویق بشوند، تقدیر بشوند، به اینها کمک بشود؛ اینها دارند واقعاً کار میکنند.

ج-تقویت فنی ابزار و وسیله‌های دفاعی کشور

یکی هم مسئله‌ی فنی ما و ابزارهای ما است، همین کارهایی که دارند میسازند، همین موشکی که چند روز پیش از این، آقای دکتر روحانی رفتند و از آن رونمایی کردند؛ اینها مهم است، اینها خیلی مهم است، اینها در حفظ امنیت کشور خیلی تأثیر دارد. اینکه کشور بتواند از خودش دفاع بکند و این را دیگران بدانند که این قدرت دفاعی در کشور هست، این خیلی مهم است. شما ببینید سر قضیه‌ی اس 300 که ما میخواستیم بخریم، چه جنجالی راه انداختند و پشت این جنجال چه تحرکاتی. این قدر مسافرت کردند به روسیه - بیا، برو، فلان - که این اتفاق نیفتد؛ درحالی که اس 300 که بنا نیست شهری را بزند، اس 300 بنا است مهاجم را بزند، این است دیگر؛ یعنی دشمن، قدرت دفاعی را در کشور نمیتواند تحمل بکند، اینکه شما قدرت دفاعی داشته باشید را نمیتواند تحمل کند.

بنابراین یکی از اساسی‌ترین کارها همین است که ما ابزارهای دفاعی‌مان را تقویت بکنیم و هرکدام از این سه عامل - یعنی عامل روحیه‌ی مردم، عامل حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت، و عامل ابزار و وسیله - تضعیف بشود به ضرر ما است و هر کسی تضعیف بکند، واقعاً به ضرر کشور اقدام کرده.

2-5- سرفصل پنجم: فرهنگ، اولویت بسیار مهم کشور

سرفصل پنجم، مسئله‌ی فرهنگ است. اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر، سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه میشود]! بنده طرفدار جزم‌اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستم، میدانید، من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزادعملی بخواهد ضربه بزند به [کشور]. امروز نیروهای مؤمن و جوان انقلابی‌مان، بیشترین کارهای خوب کشور را دارند انجام میدهند، همین دانش‌بنیان‌ها، همین کارهای گوناگون، همین فعالیتهای آنها، اینها بیشتر به وسیله‌ی جوانهای مؤمن و مانند اینها انجام میگردد. حالا فرض کنیم یک تئاتری یا یک فیلمی تولید بشود که تیشه به ریشه‌ی ایمان این جوانها بزند؛ این خوب است؟ این چیزی نیست که انسان از آن احساس خطر بکند؟ دو مقوله است، مقوله‌ی آفند و پدآفند؛ ما در زمینه‌ی فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل میکنیم، هم در مورد پدآفند ضعیف عمل میکنیم؛ به نظر من بایست در این زمینه‌ها کار کرد. فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعاً به آن بپردازیم. محصولات فرهنگی، کتاب، سینما، تئاتر، شعر، مطبوعات و نیز شخصیت‌های فرهنگی؛ فرض کنید که یک شخصیت فرهنگی هست که همه‌ی عمر

خودش را در راه انقلاب گذاشته، یک شخصیت فرهنگی هم هست که هر وقت توانسته به انقلاب نیش زده؛ شما رفتارتان با این دو نفر چه جور است؟ شما که مسئول دولتی هستید یا مسئول فرهنگی هستید یا مسئول وزارت مثلاً ارشاد هستید یا وزارت علوم هستید یا سازمان تبلیغات اسلامی هستید - فقط مخصوص کارهای دولتی نیست، دیگران هم همین جور هستند - یا صداوسیما، رفتار شما و برخورد شما با این دو آدم چه جور است؟ این خیلی مهم است. آن کسی که عمرش را در خدمت انقلاب و در خدمت دین بوده، آیا این [طور] است که مورد تکریم و ترحیم شما باشد، نسبت به آن کسی که در همه‌ی عمرش حالا یک قدم [هم] در راه دین و انقلاب که برنداشته، گاهی اوقات ضربه هم زده، نیش هم زده؟ خب، اینها مهم است، اینها نکاتی است که باید به آنها توجه داشت. ما اگر به این نکات توجه نکنیم و بر اثر جوّزدگی برویم سراغ مثلاً فرض کنید که فلان کسی که از بن دندان با انقلاب اسلامی و با حکومت اسلامی و با نظام اسلامی مخالف است، خب این خلاف یک حرکت فرهنگی عاقلانه است. بنابراین من، هم معتقدم روحیه‌ی آزاداندیشی وجود داشته باشد، [هم] برنامه‌ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد. نه بی‌برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی، نه جزم اندیشی و تحجّر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه‌ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش‌های خوب، و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند اینها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پدآفند.

2-6- سرفصل ششم: تسریع در ارایه برنامه ششم

سرفصل ششم - که دیگر این علی‌الظاهر آخرینش است یا نزدیک به آخر - مسئله‌ی برنامه است که در مسئله‌ی برنامه‌ی ششم، ما تأخیر داریم؛ یعنی واقعاً برنامه‌ی ششم یک امر مهمی است. خب، اهمیت برنامه برای شماها روشن است و میدانید که برنامه چقدر مهم است؛ برنامه، هم هماهنگی ایجاد میکند، هم هم‌افزایی ایجاد میکند، هم زنجیره‌ی برنامه‌ها - پی‌درپی - ما را به اهداف چشم‌انداز میرساند؛ یعنی اگر چنانچه این زنجیره‌ی برنامه‌ها، یک جا در وسط قطع شد، ما نمیتوانیم به آن نتیجه برسیم، این روشن است؛ بنابراین، برنامه خیلی اهمیت دارد. خب، حالا برنامه یک فرآیندی هم دارد که در قانون اساسی مشخص است: سیاست‌هایی است که ابلاغ میشود و اعلام میشود، براساس این سیاست‌ها، دولت برنامه را تهیه میکند، بعد این برنامه تبدیل به قانون میشود که همه ملزم باشند به جزئیات این برنامه عمل کنند؛ بنابراین مجلس هم در جریان کار برنامه، در این فرآیند قرار میگیرد. **این کار را به نظر من هرچه زودتر انجام بدهید و پیش ببرید؛ نگذارید که این قضیه بیش از این متوقف بشود. البته در برنامه هم اساس کار: در بخش اقتصاد، همان اقتصاد مقاومتی باید باشد؛ در بخش فرهنگ، فرهنگ با همان خصوصیات باشد که عرض کردیم؛ و در بخش علم و فناوری هم - که این سه بخش خیلی مهم است - با همان خصوصیات که قبلاً عرض شد و اهتمام به پژوهش و اهتمام به توسعه‌ی علم.**

2-7- سرفصل هفتم: استفاده از فرصتهای فضای مجازی و برکناری از تهدیدهای آن

یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی فضای مجازی است که من می‌خواهم خواهش کنم از جناب آقای رئیس جمهور این [را دنبال کنند]؛ چون فضای مجازی واقعاً یک دنیای رو به رشد غیرقابل توقف است، یعنی واقعاً آخر ندارد؛ آدم هرچه نگاه میکند، آن چیزِ اولِ بلا‌آخر، فضای مجازی است. هرچه انسان پیش می‌رود در این فضا، این همین‌طور ادامه دارد. این یک فرصتهای بزرگی در اختیار هر کشوری می‌گذارد، تهدیدهایی هم در کنارش دارد؛ ما بایستی کاری کنیم که از آن فرصتها حداکثر استفاده را بکنیم، از این تهدیدها تا آنجایی که ممکن است خودمان را برکنار نگه بداریم. خوب، شورای عالی فضای مجازی به این منظور تشکیل شد. مثلاً فرض بفرمایید که حالا در گزارش آقای دکتر جهانگیری هم اتفاقاً به این بخش تقریباً اصلاً نپرداختند، یک سطر فقط ایشان اشاره کردند که فلان بخش را نمیدانم چه کار کردیم، مثلاً راجع به فلان بخشی که در شبکه‌ی ملی اطلاعات مؤثر است، این را مثلاً فراهم کردیم. به جستجوگرها ایشان [اشاره کردند]، چون جستجوگر چند سال است که شروع شده، جستجوگرها را اینها دارند [طراحی] میکنند و الان جوانها از این طرف و آن طرف، شاید ده‌ها سیستم جستجوگر را طراحی کرده‌اند و ساخته‌اند و تولید کرده‌اند، یعنی چیز جدیدی نیست؛ ایشان هم روی آن تکیه کردند؛ اما آن شبکه‌ی ملی اطلاعات را - که خیلی مهم است آن شبکه‌ی داخلی - ما هنوز پیش نرفته‌ایم؛ خوب، با اینکه آقای واعظی [11] هم معتقد به این قضیه هستند و دوستان همه معتقدند به این قضیه اما این پیشرفت نداشته؛ این را بایستی ان‌شاءالله دنبال کنیم که ضربه‌های بی‌جبرانی نزنیم.

2-8- سرفصل هشتم: لزوم برخورد قاطع با حقوقهای نجومی و پرهیز از عذرتراشی برای متخلف

و آخرین مسئله هم همین مسئله‌ی حقوقهای نجومی است که اتفاقاً در صحبت آقای دکتر روحانی هم آخرین مسئله بود. من خواهش میکنم از این قضیه آسان عبور نکنید. بله، دامن زدن به این قضیه به آن معنا - که به قول ایشان مدام بازخوانی کردن و آماردادن که فلان کس این قدر میگیرد، فلان کس [آن قدر] - شاید کار خیلی مثبتی نیست؛ اما از آن طرف، اقدامی که شما در مقابل میکنید، خیلی مهم است؛ یعنی به مردم بگویید که چه کار کردید. در این قضیه، مردم اعتمادشان ضربه خورده. ببینید، مردم خیلی از این ارقام بزرگ و مانند اینها را هضم نمیکنند؛ اما حقوق شصت میلیون تومان و پنجاه میلیون تومان و چهل میلیون تومان را خوب هضم میکنند؛ یعنی کسی که در ماه یک میلیون یا یک میلیون و دویست یا یک میلیون و پانصد درآمد دارد، خوب میفهمد که پنجاه میلیون یعنی چه؛ در کشور کم نیستند کسانی که حقوق‌هایشان این است. این اعتماد مردم را - که بدرستی آقای روحانی گفتند که مایه‌ی اصلی ما، اعتماد مردم و امید مردم است - با این کارها نباید ضایع کرد. شما این همه زحمت بکشید، کار کنید، تلاش کنید، بعد ناگهان مثلاً فرض کنید یک نفری با یک کار حقوق غیر عادلانه [همه را ضایع کند]. آیا فاصله‌ی بین پنجاه میلیون و یک میلیون غیر عادلانه نیست؟ شما امروز در دستگاه دولتی‌تان کسی که از شما یک میلیون، یک میلیون و دویست، یک میلیون و پانصد، دو میلیون حقوق بگیرد ندارید؟ فراوان. خوب، آن وقت یک نفر هم سی میلیون میگیرد، چهل میلیون میگیرد! این غیر عادلانه نیست؟ با مردم هم‌دردی کنید که مردم احساس کنند که همان رنجی را که او میبرد شما هم میبرید و نشان بدهید که

عزم راسخ دارید که با این قضیه برخورد کنید و جلوییش را بگیرید و اجازه ندهید؛ این را نشان بدهید به مردم. به هر حال این نکته‌ی [مهمی] است. به نظر من برای متخلف اصلاً نباید عذر تراشید؛ برخورد هم بایستی قاطع باشد؛ مخصوص قوه‌ی مجریه هم نیست. در همه‌ی قوا و در همه‌ی سازمانها، همین معنا ساری و جاری است؛ همه بایستی این را رعایت بکنند. خب، قوه‌ی مجریه جلوی چشم است و حالا مثلاً بیشتر از دیگران گسترده است. در برخورد هم فقط قوه‌ی مجریه نیست که باید برخورد کند، قوه‌ی قضائیه هم در جای خود - آنجایی که جای ورود قوه‌ی قضائیه است - بایستی برخورد کند.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ